

گسترش رابطه اقتصادی با پاکستان به تغییر سیاست افغانی اسلام آباد می انجامد؟ محمد اکرام اندیشمند

سیاست رئیس جمهور غنی در مورد جلب همکاری پاکستان به صلح و ثبات افغانستان و تغییر سیاست افغانی آن کشور، بر گسترش مناسبات اقتصادی و تجارتي طرفین بنا می یابد. رئیس جمهور و همفکران او به این باور هستند که گسترش روابط اقتصادی و تجارتي با پاکستان موجب تغییر سیاست اسلام آباد از دخالت در اشتعال آتش جنگ و بی ثباتی به همکاری و همراهی با صلح و ثبات در افغانستان می انجامد. این باور و دیدگاه از اهمیت حیات اقتصادی برای هر دو کشور و به خصوص برای پاکستان ناشی می شود که به شدت در گیر مشکل اقتصادی از کمبود انرژی و منابع توسعه تا تأمین کالاهای مهم روبر است. گسترش مناسبات اقتصادی میان افغانستان و پاکستان و رونق اقتصادی به ویژه تفکر و سیاست زمام داران اسلام آباد را از دخالت به جنگ افغانستان به همکاری با صلح متحول می سازد تا بستر این رونق اقتصادی بصورت فزاینده هموار تر گردد. رئیس جمهور غنی نخستین سفر رسمی و کاری خود را به پاکستان با چنین دیدگاه و سیاست آغاز کرد و جمعی از تاجران و مسئولین بخش اقتصاد و تجارت را هم با خود برد و در پایان سفر از گسترش مناسبات تجارتي اقتصادی مزده داد. در حالی که ایجاد روابط وسیع اقتصادی و تجارتي با پاکستان با اهمیت وسود مند تلقی می شود، اما آیا این روابط می تواند سیاست پاکستان را از دخالت برای بی ثباتی و جنگ، به همکاری برای صلح و ثبات در افغانستان متحول سازد؟ شواهد و دلایل نشان می دهد که چنین تصور و باور در مورد تأثیر روابط اقتصادی بر تغییر سیاست افغانی پاکستان بیشتر یک توهم است تا واقع گرایی و درک صحیح از سیاست اسلام آباد:

- 1- اگر گسترش رابطه اقتصادی و تجارتي افغانستان با پاکستان عاملی در جهت تغییر سیاست پاکستان باشد، افغانستان بیشتر از پاکستان به تأمین این رابطه نیازمند است. افغانستان به عنوان کشور محاط به خشکه که نزدیک ترین راه دسترسی به بندر بحری را از طریق پاکستان بدست آورده می تواند، در این امر وابسته به پاکستان است.
 - 2- افغانستان در تمام مواد ارتزاقی اولیه و مواد ساختمانی به خصوص سمنت، کالای ضروری چون البسه و غیره نیاز مند تولیدات پاکستان است و بازار فروش مواد و اجناس پاکستان.
- وابستگی و نیازمندی افغانستان در عرصه اقتصاد و تجارت به پاکستان، نه تنها موجب کاهش فشار اسلام آباد بر افغانستان در عرصه ثبات و امنیت می گردد، بلکه بر عکس این عرصه می تواند به عامل فشار بیشتر از سوی پاکستان بر افغانستان تبدیل شود. حوادث و تحولات نیم قرن گذشته این موضوع را به خوبی ثابت می سازد. اسلام آباد پیوسته، افغانستان را از لحاظ اقتصادی و تجارتي تحت فشار نگهداشته است. پاکستان در دهه شصت و هفتاد سده بیستم عیسوی

بارها مانع تجارت و رشد اقتصاد افغانستان از راه دسترسی به بندر کراچی شد و بصورت مکرر راه ترانزیت افغانستان را از طریق کراچی مسدود کرد.

3- شواهد و حقایق در سایر کشورهای دنیا نشان میدهد که بدون حل اختلاف سیاسی و امنیتی میان همسایگان و یا در یک حوزه، از یکسو گسترش مناسبات اقتصادی میسر نیست و از سوی دیگر، منازعات سیاسی و امنیتی به اقتصاد و تجارت آنها زیان می رساند. البته طرف های نیازمند و وابسته بیشتر از طرف دیگر متحمل زیان می شود. و افغانستان یکی از کشورهایی است که در چنین موقعیت قرار دارد.

اگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا به گسترش روابط اقتصادی و تجارتي تا ایجاد پول واحد یورو رسیده اند، این مناسبات در فضای عدم اختلاف و خصومت سیاسی و امنیتی میان آنها و پس از ثبات سیاسی و تشکیل دولت های مدرن ملی شکل گرفت. در حالی که افغانستان و پاکستان در فضای عدم اعتماد و در منازعه سیاسی و امنیتی و ادعای ارضی به سر می برند. تا زمانیکه کابل این مشکل را با پاکستان حل نکند، گسترش رابطه اقتصادی و تجارتي سیاست پاکستان را تغییر نمیدهد و به خصومت آن کشور در برابر افغانستان نقطه پایان نمی گذارد. بلکه بر خلاف، از گسترش روابط اقتصادی، پاکستان سود بیشتر می برد. این در حالی است که سیاست دخالت و بی ثبات سازی را، همچنان ادامه می دهد.